

سرنوشت مذاکرات صلح؟

قرار است مذاکرات صلح با وساطت دولت شوروی در مسکو ادامه یابد



دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۸ برابر با ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹
بسمه عمریال سال ششم شماره ۲۸۹

گردید. طرح مزبور که تا حدودی اصلاح شده طرح سابق دبیر کل بر مبنای نظرات دولت ایران بود مورد موافقت ایران قرار گرفت ولی نماینده دولت عراق با موضعی مخالفت جویانه نسبت به طرح و ارائه خواست های غیر منطقی به شکست مذاکرات و به بن بست رسیدن آن کمک نمود. طرح اصلاحی پیشنهادی دبیر کل مبتنی بر عقب نشینی هم زمان نیرو با امر آزادی اسرای

بعد از پایان مذاکرات بی نتیجه ماه گذشته وزرای خارجه ایران و عراق در نیویورک که تحت نظارت دبیر کل سازمان ملل متحد آقای پرز دکوئیار صورت گرفت بار دیگر بعد از یک وقفه کوتاه در جریان ادامه مذاکرات صلح قرار است که این مذاکرات مجدداً سر گرفته شود. مذاکرات ماه گذشته وزرای خارجه دو کشور ایران و عراق در نیویورک در چارچوب و برپایه طرح پیشنهادی دبیر کل سازمان ملل آغاز

بقیه در صفحه ۵

اندیشه ها و برداشتها

در صفحه ۶

نمایش "ثبات" و سماجت در نادیدن مردم

در سی که رژیم آخوندی از چاؤو شسکو می گیرد

خواهان و همه دیکتاتورها، اهم از آنکه حکمران هر نوع رژیمی باشند یا اصلا حکمران رژیمی باشند یا نباشند، از این زمره بوده اند. جمهوری اسلامی رژیمی است بقایت دیکتاتور و کهنه خواه پس تصادفی نیست اگر فریاد وحشتش پیشتر از سایرین بلند شود و چنین هم شده است.

تکانه وقایع رومانی و نظیر آن بر موجودیت رژیمهای دیکتاتوری برای جمهوری اسلامی با یک "آبروریزی" نیز همراه بقیه در صفحه ۳

آیا کسی هست که از آنچه که در ماه گذشته در رومانی اتفاق افتاد هراسان نشده باشد؟ آری هر دوستدار آزادی و دموکراسی، و هر آن کس که سوسیالیسم را همچون نظامی سرشار از امکانات برای تعالی آزاد و همه جانبه تک تک افراد جامعه سوسیالیستی می خواهد، نه تنها از وقایع مذکور هراسان نشده بلکه شادمان هم شده است. چنین کسانی کم نیستند. اما همچنین هستند کسانی که وقایع رومانی در آنها تنها وحشت برانگیخته است. تمام کهنه

افشاگری منتظری علیه باندهای حاکم

اجتماعی مردم بود. و درست همین اشارات بود که بمثابة تجلی لیرالیسم و ضدیت با ولایت فقیه، مورد مواخذه تخطئه گرانه باندهای حاکم قرار گرفت. خامنه ای، روز دوشنبه ۱۸ دیماه، طی پیام ویژه ای خطاب به "نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ملت ایران"، بر خدشه ناپذیری اصل ولایت فقیه و لزوم وفاداری نهادهای حکومتی و آحاد مردم به این اصل تاکید کرد و خواستار یکپارچگی حکومتیان و "حفظ اعتماد میان ملت و دولت" شد. او از نمایندگان مجلس خواست که با وفاداری و دلبستگی به ولایت فقیه و حمایت مجدد از دولت،

بدنبال سخنرانی افشاگرانه آیت اله منتظری در حوزه علمیه قم علیه سیاست ها و عملکردهای جانشینان خمینی، موجی از اضطراب و تشنج پیکره رژیم آخوندی رافرا گرفت. سران رژیم، با افتنام فرصت از اجتماع حاضر در نماز جمعه قم، تظاهراتی را که متشکل از عوامل حزب الهی وابسته به حکومت بود سازمان داده و با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لبرال" به سوی محل اقامت منتظری گسیل کردند.

آنچه که در سخنرانی منتظری مورد افشاء قرار گرفت استبداد و خودکامگی سران رژیم و دست اندازی گستاخانه عوامل حکومتی به حریم حقوق فردی

بقیه در صفحه ۲

در این شماره

برای فعال تر و دمکراتیزه تر کردن نشریه اکثریت

در صفحه ۷

ادامه ناآرامی ها در آذربایجان شوروی

در صفحه ۱۲

تهران، پایتخت دوپست ساله

در صفحه ۸

خبرها و نظرها

بقیه در صفحه ۹



"روتق" بازار ارزا

افشاگری منتظری علیه باند‌های حاکم

بقیه از صفحه اول

در برابر خمینی، بتدریج موجب افزایش نفوذ اجتماعی او در نیروهای درون و پیرامون حاکمیت شده است. چنانچه خمینی اینک با رقیب بالقوه نیرومندی که در شرایط معینی پتانسیل تبدیل شدن به اکثریت با نفوذ را دارد، مواجهند. برخلاف ارزیابی رژیم، تخطئه منتظری با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لیبرال" نه تنها اورام نزوی نمی‌کند بلکه نفوذ اجتماعی و سیاسی‌اش را نیز بتدریج افزایش می‌دهد. اما امروز، رژیم برای تخفیف اختلافات و منازعات درونی باند‌های حاکمه به بسیج تبلیغاتی - روانی نیروهای حکومتی نیز سخت نیازمند است. اختلافات درونی جناح‌های حاکمه، اختلافات ناشی از کفکاش‌های سیاسی جاری و نیز بی‌کفایتی مجموعه آنها در مهار بحران اقتصادی کشور، آسیب‌پذیری رژیم را در برابر انتقادات مخالفان حاکمیت بویژه منتظری، افزایش داده است.

اعتراضات منتظری به سران رژیم این امکان را نیز در عین حال داده است که باند‌های مختلف درون حاکمیت را در مقابل نیروئی خارج از حکومت قرار دهد و با شعار "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لیبرال" اختلافات و منازعات درونی حاکمیت را تحت الشعاع قرار داده و تا حدی تخفیف دهد.

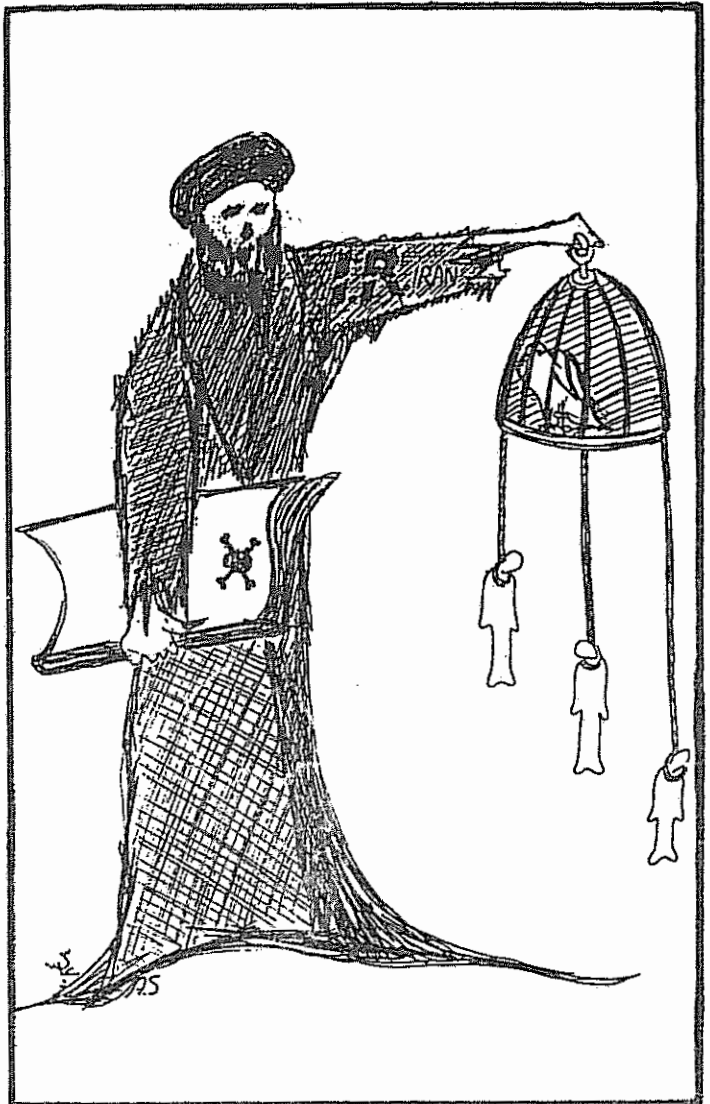
اما حربه‌ای که رژیم برای مقابله با منتظری و طرفداران او بکار گرفته است تیغه‌ای است دولبه که یک روی آن متوجه خود اوست، محتشمی‌ها و رفسنجانی‌ها می‌توانند در برابر یک تهدید بیرونی، به حبل‌المتین کذائی "مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر لیبرال" چنگ اندازند. اما تمسک به این طناب پوسیده، نه تنها معتقدین متعصب ولایت مصلحت‌اندیشان مدعی اصلاحات اقتصادی و سیاسی در چارچوب ولایت فقیه همچون رفسنجانی‌ها را نیز به چاه هلاکت و ذلت خواهد افکند.

مشت محکمی بر دهان "تفرقه‌افکنانی که اضطراب و نومیدی می‌پراکنند"، بگویند. او بی‌مانک از نفوذ کلام منتظری در میان نیروهای درون و پیرامون حاکمیت، به جناح‌های مختلف حکومتی هشدار داد که: "دشمن چشم به تفرقه در میان مسئولین دارد. امروز تاکید بر وحدت ضروریست. مخصوصا نمایندگان مجلس باید بدقت مراقب باشند که مبدا اظهارات آنها نومیدی و یاس را در سطح جامعه پراکنده سازد."

در پی تظاهرات فرمایشی عوامل حکومتی علیه منتظری، و بی‌حرمتی سران رژیم نسبت به وی، تظاهراتی نیز بنفع منتظری در شهر نصف آباد صورت گرفت و بنابه برخی گزارشها، دامنه اعتراض به شهر اصفهان نیز کشیده شد.

برخی از روحانیون نیز طی اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایی، امانت به منتظری را محکوم کرده و از او حمایت نمودند.

در مقابل، پیام‌های تأییدآمیز متعددی در حمایت از خامنه‌ای و تاکید بر ضرورت پایبندی بر اصل ولایت فقیه، از جانب ارگانها و عوامل حکومتی صادر شد. حساسیت سران رژیم در برابر انتقادات منتظری نسبت به حاکمیت و بسیج تبلیغاتی وسیع آنها در برابر آن، از جنبه‌های مختلف قابل توضیح است. نخست آنکه اضطراب آنها واقعی است. منتظری نه شریعتمداری است، نه بازرگان و نه بنی‌صدر، او هلیرفم آنکه از دایره قدرت حاکمه بیرون است، از پایگاه اجتماعی قابل توجهی در میان نیروهای درون و پیرامون حاکمیت برخوردار است. او از پایه‌گذاران اصلی جمهوری اسلامی بوده و پس از خمینی شاخص‌ترین چهره جریان منتسب به خمینی است. مضافاً اینکه سابقه اعتراضات او به سیاست‌ها و عملکردهای رژیم به مخالفت‌های اخیر او محدود نمی‌شود. انتقادات صریح و آشکار او از سیاست‌های رژیم خمینی در زمان حیات او، اعلام موضع علنی‌اش علیه کارنامه دهساله رژیم ولایت فقیه و امتناع از ابراز ندامت



بر ملامت فساد و دزدی در دستگاه دولت

میلیون دلار قرار بوده توسط فرد مزبور جهت خرید لوازم مورد ضرورت شرکت مخابرات از کنسرن آلمانی "زیمنس" مورد استفاده قرار گیرد که وی این مبلغ را به حساب شخصی خود در یکی از بانک‌های خارجی واریز نموده و به یکی از کشورهای گریخته است. میزان مبلغ سرقت شده، مسئولیت سارق و مکتوم ماندن هویت او نشان دهنده این است که فرد مزبور باید یکی از دست پروردگان مورد حمایت دولتمردان جمهوری اسلامی باشد که افشای نام آن بعد از بر ملامت این دزدی می‌تواند دامن برخی از این دولتمردان را نیز آلوده سازد.

گسترده‌گی فساد و دزدی در دستگاه دولتی رژیم فقها بحدی است که هر از چند گاهی گوشه‌هایی از این فسادها و فارتگری‌های عوامل و دست‌اندرکاران حکومتی به ناچار برملا می‌گردد.

از جمله اختلاس‌ها و دزدیهای جدید باید، دزدی یک میلیون دلاری در اداره مخابرات را نامبرد که مسئولین امر از اعلام نام و مشخصات مجرم تاکنون خودداری کرده و قطعه‌به‌بیان این مطلب اکتفا کرده‌اند که دزدی مزبور توسط یکی از کارمندان مسئول بخش خریدهای خارجی شرکت مخابرات صورت گرفته است.

گفته شده است که مبلغ یک

داده‌ها یکی از راههای ایجاد مصونیت در برابر دگرگونی‌هاست.

و "باید برای ایجاد مصونیت در برابر دگرگونی‌های سریع با مکانیزم ارتباطات آشنا شد، از محتوایی که در کانالهای ارتباطاتی جاریست مطلع شد و از میان آن‌ها به داده‌گزینی اقدام کرد". پس او در پروای مصونیت در برابر دگرگونی‌های پرشتاب است و راه‌آنها هم ارسال و دریافت صحیح داده‌ها و ... اقدام به "داده‌گزینی" می‌داند. اما گویا مفسر فراموش کرده است که کمی بالاتر به این سؤال که "از این داده‌گزینی چه حاصل؟" چنین پاسخ گفته است: "... آنچه در برابر دیدگان مردم بلوک شرق قرار می‌گرفت، تنها تصویری بود که از توهمات دوایر حاکم بر آنان گرفته شده بود. این تصاویر هیچ رنگی از واقعیت نداشتند ... رسانه‌ها نه تنها برای مردم خود دستور نحوه بحث در باره مسایل بین‌المللی را تهیه می‌کردند، بلکه برای افکار عمومی در صحنه بین‌المللی نیز به انگاره‌سازی می‌پرداختند." و سپس افزوده است: "اما به هر حال واقعیت از تاریکی بیرون آمد."

به این ترتیب مفسر کیهان می‌کوشد به جمهوری اسلامی حالی کند که سقوط چائوشسکو را درسی برای خود بشمار آورند. اما نسخه درماتی که او تجویز می‌کند چیزی جز تداوم آنچه که بیش از دهسال توسط جمهوری اسلامی پیش برده شده است نیست. او فقط طالب ابزارهای مدرن‌تر برای پشبرد همان سیاست کهنه ایست که بقول خودش "شربندی براسب مرده است"

او دریافته است که دعوت جمهوری اسلامی از چائوشسکو و پذیرایی گرم از او در تهران، تنها چند روز پیش از سرنگونی او، نه تنها یک اتفاق ساده که یک مقارنت نمادین نیز بوده است که از آینده جمهوری اسلامی خبر می‌دهد.

هواشناسی دیکتا توری

در هفته گذشته در رومانی فاش شد که چائوشسکو، دیکتاتور سرنگون شده به اداره هواشناسی کشور دستور داده بود که به هیچ‌رو دمای هوا را حتی در سردترین روزهای زمستان، کمتر از ۵ درجه زیر صفر اعلام نکنند. به اعتقاد دیکتاتور اعلام درجه واقعی هوا ممکن بود مردم را به یاد کمبود مواد سوختی بیندازد و منجر به "اناراضی تراشی" شود.

نمایش "ثبات" و سماجت در نادیدن مردم

درسی که رژیم آخوندی از چائوشسکو می‌گیرد

کنونی بجای داشتن ارتباط با یک دولت در یک دوره طولانی زمانی با تغییر پیاپی حکومتها در یک دوره کوتاه زمانی مواجه هستیم، این شتاب ثبات موقعیت‌های سیاسی را محدود می‌کند و این موقعیت‌های سیاسی با سرعتی بر مراتب بیشتر از گذشته از چنگ دوایر تصمیم‌گیرنده سیاسی می‌گریزند. "بعلاوه دگرگونی سریع سیاسی به شیوه زیست روابط بین‌المللی تبدیل شده است بنوعی که هر اتفاق ظاهرا ساده بسختی ممکن است در یک محدوده جغرافیایی بماند و می‌تواند با شتاب به ساختار درهم تنیده روابط بین‌المللی منتقل شود." مفسر کیهان عقب ماندن از شتاب دگرگونیها را عامل طوفان‌های سیاسی بشمار می‌آورد و از همین زاویه تحولات کشورهای سوسیالیستی را توضیح می‌دهد. صرفنظر از اینکه این تفسیری محدود و مبهم از تحولات مذکور است، می‌توان تا اینجا با مفسر کیهان موافق بود. اما او در پروای یافتن راههای دمسازی با این دگرگونیها، شتاب آنها نیست. او در پروای راهیابی برای "مصونیت در برابر دگرگونیها" است. او می‌پرسد: "چاره مقابله با دگرگونیهای سریع در کجا نهفته است؟" و پس از اخطاری نسبت به نقش و توان "اطلاعات و داده‌ها" که "از مرزهای ملی می‌گذرند و مجال چاره‌جویی را به حداقل می‌رسانند و کارآیی‌شان به حدی است که می‌توان مفاهیمی چون حاکمیت ملی و اقتدار ملی را دستخوش تغییر کند"، به سوال فوق چنین پاسخ می‌گوید: داشتن برنامه دقیق برای تلفیق زیرساختهای قوی ارتباطی و تکنولوژی مدرن ارتباطی به منظور ارسال و دریافت صحیح

این دلیل که می‌توان و باید امیدوار بود - و طلبید - که تحولات مذکور به بازبینی انتقادی همیق مناسبات تا کنونی این کشورها با رژیمهایی از زمره جمهوری اسلامی بیانجامد که جزنا هم انجامیده‌اند. روشن است که سیاست خارجی مبتنی بر حقیقت و بنا بر این اخلاقی "علیه جمهوری اسلامی هاری از حقیقت و اخلاق عمل‌کند." اما در آن ایام هنوز رومانی "با ثبات" می‌نمود. چائوشسکو نه تنها به تحولات نپیوسته بود، علم مخالفت با آنها را نیز برافراشته بود. با این ترتیب "مودت" جمهوری اسلامی و رژیم چائوشسکو بیش از پیش بستر مناسبی یافته بود. آنروزها جمهوری اسلامی اتحاد پایداری را با رژیم مذکور، و یکی دو کشور سوسیالیستی دیگر نیز، حس می‌کرد.

حالا دیگر نشانی از آن روابط مودت‌آمیز باقی نیست. تنها در عرض یک هفته طوفانی، یکی از متحدین پایدار جمهوری اسلامی از دست او رفت و این نمی‌تواند تلاطم را دامن نزند. نمی‌تواند موجب هراس رژیم نشود. تفسیر سیاسی کیهان مورخ ۲ دی زیر عنوان "از نیمه دهه هشتاد تا رومانی دیشب: تحولات پرشتاب بین‌المللی، نگرش سیاسی یا نگره ارتباطی؟" نشانه این هراس است. محاصل کلام مفسر کیهان این است که "امروزه دگرگونیهای سیاسی شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته‌اند و در عصر

بود. چائوشسکو تنها چند روز پیش از برچیده شدن بساطش میمان رسمی جمهوری اسلامی بود. در ایران، تجلیل شایانی از او شد، چائوشسکو هم بنوبه خود از "معجزه پیروزی انقلاب اسلامی" و "قهر دم زد، و چه بسا" "مقدهای مودت" که بین دو رژیم بسته نشد. امروز، دولتمردان جمهوری اسلامی کوشش فراوانی برای رفع و رجوع این آبروریزی بخرج می‌دهند؛ اما این تنها صورت ظاهر تشریف‌افزار از وقایع رومانی است. هلیرفم اینکه دولتمردان می‌کوشند خود را به رفع و رجوع همین صورت ظاهر محدود کنند و با تعویض سفیر ایران در رومانی گریبان خود را رها کنند، مطبوعات آن - این "وجدانهای آگاه و جان‌های بیدار" رژیم - نشانه‌های بسیاری از کنه تلاطم آنان را آشکار می‌کنند. نخستین نشانه‌های این تلاطم ماهی پیش از سرنگونی چائوشسکو بروز کردند؛ زمانیکه مطبوعات رژیم تحولات کشورهای سوسیالیستی را روندهایی علیه اسلام و انقلاب اسلامی ارزیابی کردند. آنها چنین تحلیل کردند که "روندهای مذکور موجب رفع اختلافات شرق و غرب شده و به این دو امکان می‌دهد که مشترکاً علیه جمهوری اسلامی توطئه کنند." صرفنظر از خود محور بینی حاکم بر نگرش و تحلیلهای "تحلیل‌گران" جمهوری اسلامی که در هر واقعه‌ای، ولو در دور دست دنیا نیز، توطئه‌ای علیه جمهوری اسلامی و یا پیروزی اسلام‌رایی‌جویند، می‌توان قویا با آنان موافق بود که تحولات کشورهای سوسیالیستی علیه جمهوری اسلامی است. حداقل به





بیکاری، بلا تکلیفی و انتظاری بی چشم انداز برای تامین شغل

ادغام نیروهای انتظامی

عبدالله نوری وزیر کشور حکومت در مراسم معارفه استاندار جدید استان مازندران اعلام کرد بر طبق مصوبه جدید دولت که به مجلس جهت تصویب فرستاده شده است امر ادغام نیروهای انتظامی بزودی اجرا خواهد شد.

وزیر کشور در همین سخنان متذکر شد که وزارت کشور آماده است تا بلافاصله بعد از تصویب لایحه ادغام نیروهای انتظامی از سوی مجلس، اجرای آنرا به عهده گیرد.

در توضیح دلایل ادغام نیروهای انتظامی کشور و تشکیل سازمان واحد از آنها هم وی و هم رفسنجانی مدعیند که این امر در جهت تامین رفاه حال مردم و برخورد قاطع با جرائم و تخلفات است.

باید خاطر نشان کرد امر تمرکز در ارگانهای حکومت اسلامی به دلیل وجود سازمانها و نهادها و ارگانهای موازی از مدت پیش مطرح و یکی از مشغلهها و معضلات جدی دولتمردان حاکم بوده است.

در این مورد باید به سرنوشت لایحه ادغام نیروهای نظامی کشور اشاره کرد که هلیرفم تصویب آن در مجلس و دخالت متنفذترین سران حکومتی برای هملی ساختن آن و با وجود گذشت چند ماه از تصویب آن، همچنان در مراحل اولیه اجرا قرار دارد.

بنابر ادعای نوری در صورت تصویب لایحه ادغام نیروهای انتظامی در مجلس، نیروهای کمیتههای انقلاب و شهربانی در یکدیگر ادغام می شوند و سازمانی تازه بنام "پلیس انقلاب" تأسیس خواهد شد.

انتصابات جدید حکومتی

در طول دو هفته اخیر انتصابات جدیدی از سوی مقامات مختلف رژیم صورت گرفت که از جمله این انتصابات برگمارده شدن ری شهری به ریاست دادگاه روحانیت از سوی "رهبر" حکومت می باشد.

خامنه‌ای در حکم انتصاب ری شهری ضمن قدردانی از ریاست قبلی دادگاه روحانیت که در اختیار آخوند دیگری بنام فلاحیان بود، به تجلیل و تمجید از "صلاحیت‌های علمی و هملی" و "منزلت شایسته" وی پرداخته و از نامبرده خواستار برخورد قاطع در برخورد با روحانیون متخلف و کجروی‌های آنان شده است.

حکم انتصاب ری شهری از این زاویه قابل تامل است که در ماه‌های اخیر بعثت تشدید اختلافات در دستگاه حکومتی و گسترش آن در بدنه دستگاه روحانیت امکان بروز هملی ناراضیاتی در مجموعه بدنه این دستگاه علیه پاندهای حاکم آشکار شده است.

ضمناً در حکم دیگری از سوی خامنه‌ای که در تاریخ ۱۲ دی ماه صادر شد هلیرفم ضافشار به سمت فرمانده نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران منصوب گردید. در این حکم گفته می شود که این انتصاب بنا به پیشنهاد محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران صورت گرفته است.

اعتراف به افزایش قیمت کالاها

جدید ارزی حکومت، دلان ارز بازار خرید و فروش ارز را کم صرفه تر از بازار کالا یافته و از اینرو به این بازار هجوم آورده و باعث افزایش قیمت کالاها شده اند.

بر پایه اظهارات همین کارشناسان این افزایش قیمت نه تنها در کالاهای غیر ضروری بلکه در کالاهای اساسی مورد نیاز مردم نیز صورت گرفته است.

این کارشناسان می گویند که در ظرف یک هفته در یک مورد قیمت اتومبیل‌های رنو و پیکان دویست هزار تومان افزایش داشته است.

بدنبال چارو و جنجال‌های دولتمردان در مورد سیاست‌های ضدتورمی و مبارزه با گرانی و احتکار و کاهش نرخ تورم در کشور، کارشناسان اقتصادی خود رژیم مجبور به اعتراف گردیدند که سیاست‌های ضدتورمی اخیر دولت نه تنها باعث کاهش نرخ تورم نگردیده بلکه به افزایش نرخ تورم و گرانی بیشتر منجر شده است.

کارشناسان اقتصادی رژیم هلت افزایش قیمت کالاها را در هفته‌های اخیر روی آوردن دلان ارز به بازار کالا ارزیابی کرده‌اند. این کارشناسان معتقدند که به هلت سیاست‌های

اعلام میزان تخصص ارز پزشکی به بیماران

رئیس شورای پزشکی در همین زمینه نیز اعلام داشت که در صورت تشخیص بالاتر بودن هزینه‌های درمان از حدارز تعیین شده، بقیه ارز مورد نیاز بیماران بصورت ارز خدماتی در اختیار آنان قرار می گیرد.

طبق اظهارات رئیس شورای پزشکی تعداد متقاضیان اعزام به خارج جهت معالجه در ظرف شش ماه اول سال جاری حدود بیست هزار نفر بوده که در این مدت با اعزام یک هزار نفر آنان موافقت شده است.

گفته می شود اکثر متقاضیان برای اعزام به خارج مبتلا به بیماری قلبی و چشم می باشند، نامبرده همچنین مهلت رسیدگی به پرونده‌های بیماران متقاضی به اعزام خارج را دو ماه اعلام کرد که این مهلت از زمان تشکیل پرونده افراد متقاضی نزد شورای پزشکی آغاز می شود.

دوشنبه هفته گذشته رئیس شورای پزشکی جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی میزان ارز تخصص داده شده به هر بیمار را که معالجه آنها در داخل کشور امکان پذیر نباشد اعلام کرد.

نامبرده در این مصاحبه گفت: "میزان ارز پرداختی به بیماران با توجه به نوع بیماری و شدت و ضعف آن و کشوری که بیمار تقاضای سفر به آنجا را دارد، متفاوت است و بر اساس جدول مدونی به بیمار پرداخته می شود."

وی در مورد میزان ارز تخصص داده شده افزود: "این مبلغ برای جراحی‌های چشم از ۴ تا ۸ هزار دلار، برای جراحی‌های قلب از ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار و برای نازائی حدود سه هزار دلار و برای برخی بیماری‌ها نظیر پیوند مغز استخوان مبالغ بیشتری پرداخت می شود."

سرنوشت مذاکرات صلح؟

طرفین و هدم پاسخگونی صریح به مسائل اصلی مورد اختلاف است. طرح پیشنهادی، رژیم عراق، بار دیگر آزادی اسرای جنگی را مقدم بر اجراء سایر بندهای قطعنامه ۵۹۸ دانسته و ضمناً در این زمینه نیز مبهم است. خواست آزادی اسرای جنگی طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی منجمده معاهده ژنو در این مورد نه تنها اقدامی قانونی و مطابق مقررات و عرف و عادات بین‌المللی است بلکه و مهمتر از آن یک اقدام انسانی و بشر دوستانه است که اجرای فوری و بی‌درنگ آن بدون در نظر داشتن مصالح و منافع سیاسی، ضرور و یکی از معیارهای بارز تعهد این رژیم‌ها به حقوق بشر و امر صلح است.

متأسفانه علیرغم برخی واقعیت‌های انکارناپذیر و منافع ملت‌های دو کشور و منطقه، برخی از رژیم‌های عربی و منطقه با حمایت یک‌جانبه از رژیم عراق بر پیچیدگی اوضاع و ادامه تنشهای سیاسی موجود می‌افزایند. هم در ادعای ابطال قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر از جانب عراق و اعلام حاکمیت این دولت بر اروند رود و هم در ارتباط با پیشنهادهای جدید رئیس جمهور عراق برخی از سران این کشورها ضمن حمایت از رژیم عراق به ایراد فشارهای سیاسی بر رژیم ایران دایر بر قبول خواسته‌های رژیم عراق اقدام کرده‌اند.

واقعیت این است که ادامه وضعیت کنونی و تداوم شرایط نه‌جنگ و نصلح نه‌تنها منافع خلق‌های دو کشور ایران و عراق را که خواهان صلحی پایدار و برقراری آرامش و ثبات در مرزهای دو کشور هستند، تأمین نمی‌کند بلکه به زیان منافع کشورهای منطقه نیز می‌باشد. آخرین گزارش‌ها، درباره سرنوشت مذاکرات صلح ایران و عراق حاکی از آن است که وزرای خارجه ایران و عراق قصد دارند در تلاش تازه‌ای که به ابتکار دولت شوروی صورت گرفته مذاکرات خود را در مسکو با میانجی‌گری وزیر امور خارجه این کشور آغاز کنند.

بند دوم پیشنهادی بر مبادله فوری اسیران معلول و بیمار و همچنین اسیرانی که در سال‌های اولیه جنگ به اسارت طرف مقابل در آمده‌اند تحت نظر صلیب سرخ بین‌المللی دلالت دارد. در بند سوم خواسته شده است که دفاتر هواپیمائی ملی ایران و عراق در تهران و بغداد گشوده شوند و پروازهای مسافری بین پایتخت‌های دو کشور از سر گرفته شود.

بعدها اعلام طرح سه ماده‌ای رئیس‌جمهور عراق دبیر کل سازمان جامعه عرب طی سخنانی حمایت و پشتیبانی خود را از "طرح" اعلام کرد و از رژیم ایران خواست که مذاکرات خود را بر پایه "پیشنهادهای جدید" رئیس‌جمهور عراق دنبال نمایند. برخی از کشورهای عربی نیز مانند مصر، اردن و کویت نیز بلافاصله به اعلام حمایت از مواضع "جدید" دولت عراق پرداختند و آن را مبنای مناسبی برای حل اختلافات و مناقشات دو طرف دانستند.

در واکنش به پیشنهاد اخیر صدام وزارت خارجه حکومت بیانیهای منتشر ساخت و مواضع جدید رژیم عراق را یک حرکت تبلیغاتی، باهدف تضعیف قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توصیف کرد. در بیانیه وزارت خارجه گفته شده است که دولت بغداد به جای اینکه طرح اجرائی دبیر کل را برای اجرای قطعنامه به‌پذیرد دست به مانورهای تبلیغاتی می‌زند. در بیانیه همچنین اشاره شده است که رژیم عراق می‌خواهد با طرح اینگونه پیشنهادهای انحرافی خارج از چارچوب قطعنامه، عملاً اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را به بن بست بکشد. نکته قابل ذکر در رابطه با طرح سه ماده‌ای رژیم عراق مبهم باقی ماندن مسائل مورد مناقشه

جنگی بود. نماینده عراق بر پایه اهداف تجاوزکارانه دولت متبوعش به خاطر داشتن موقعیت برتر در مذاکرات و تحمیل برخی خواسته‌ها به رژیم ایران به بهانه جویی پرداخته و ضمن آنکه خواهان مذاکرات مستقیم با نمایندگان رژیم ایران شده، از آزادی اسرای جنگی قبل از عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی حمایت کرد و ضمناً قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر را که مبنای تعیین خطوط مرزی زمینی و آبی دو کشور می‌باشد به عنوان پایه حل و فصل اختلافات مرزی مردود شناخت.

شروع مجدد مذاکرات در آینده نزدیک در ارتباط با مواضع جدید رژیم عراق در دو هفته گذشته می‌باشد. رژیم عراق در یک نمایش صلح‌خواهانه توسط رئیس‌جمهوری این کشور در ۶ مین سالروز تاسیس ارتش عراق یک طرح سه ماده‌ای برای آغاز مذاکرات صلح اعلام کرد. رئیس‌جمهور عراق در سخنان رادیو - تلویزیونی خود ضمن اشاره‌ای گذرا به امکان ترک مناطق اشغالی توسط عراق، به تشریح طرح سه ماده‌ای خود پرداخت.

در بند نخست طرح، رژیم عراق خواستار انجام مذاکرات مستقیم و بدون واسطه مقامات ایرانی و عراقی تحت نظارت سازمان ملل متحد به منظور تهیه زمینه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

رئیس‌جمهور عراق در این بند افزود که سه دیدار در بغداد و سه دیدار در تهران میان نمایندگان دو رژیم انجام شود. ضمناً وی طی یک ژست دمکراتیک مابانه، عنوان کرد که به مردم دو کشور آزادی داده شود تا در باره مسایل مربوطه صلح میان دو کشور اظهار نظر کنند.

تجهیز عراق به تکنولوژی هسته‌ای توسط برخی انحصارات آلمان فدرال

بقیه از صفحه ۱۲

است. به نظر برخی محافل غربی تجهیز دولت عراق به تکنولوژی هسته‌ای در مقابل اسرائیل، علاوه بر منافع سرشار مادی، ممکنست از تجلیات ضمیمه‌ای آنها نیز ناشی شده باشد.

بعید نیست که پشت گرمی رژیم عراق به این معاملات و دستیابی قریب‌الوقوع آن به سلاحهای اتمی یکی از عوامل تار شکنی صدام حسین در روند مذاکرات صلح با ایران باشد.

به بعب اتمی بر سر زبانهاست. در سال ۱۹۸۱ نیروی هوایی اسرائیل مجتمع اتمی ازیراک در عراق را بمباران کرد و هدف از این اقدام ممانعت از دستیابی قریب‌الوقوع عراق به سلاحهای هسته‌ای بود.

دولت عراق برای دستیابی به بعب اتمی از هر امکان قانونی و غیرقانونی جهت برخوردار می‌گردد. دانش و تکنیک تولید سلاحهای هسته‌ای استفاده می‌کند. حال چرا برخی شرکت‌های آلمانی به این مطالبه ماجراجویانه صدام حسین پاسخ مثبت داده‌اند، قابل تعجب

آلمان غربی صاحبان این شرکت را به دلیل معاملات غیرقانونی تحت پیگرد قرار داده و آنها را اکتلا به ۲۰۰۰ مارک جریمه محکوم کرده‌اند!

دولت عراق با تعداد زیادی از شرکت‌های آلمانی که در حال حاضر به صدور تکنیک به مجتمع تسلیحاتی "سعد" مشغولند در ارتباط است. این مجتمع نظامی در نزدیکی شهر موصل در شمال عراق قرار دارد. صدام حسین دستیابی به بعب اتمی را "هدف والای خود" قلمداد کرده است و شایعاتی مبنی بر دسترس عراق

۶۰۰ فروند از این موشک‌ها را به سوی ایران پرتاب کرده است. انجام این معاملات در آمد شرکت فوق را در پنج سال اخیر به ۱۰ برابر یعنی ۴۲ میلیون مارک افزایش داده است.

گفته می‌شود دولت جمهوری اسلامی نیز تلاش داشته است از این شرکت تسلیحات مورد نیاز خود را تهیه نماید ولی به دلیل روابط حسنه و سودآور آن با دولت عراق، این شرکت روی خوش به جمهوری اسلامی نشان نداده است.

بعدها از آنکه معاملات غیرقانونی شرکت با دولت عراق فاش شد مراجع اداره کمرگ و دارائی

اندیشه ها و برداشتها

آذربایجان واحد، کردستان واحد، ترکمنستان واحد... چه باید گفت؟ چه باید کرد؟ چه ایادی را باید برای حل مسائل ملی در نظر داشت؟

مهدی خسرو شاهی

بعضی چیزها دیگر آن چنان واقعیتند که بر روی آنها نمی توان ارزش گذاری اخلاقی - ماضی کرد.

وجود دو آذربایجان و چند پاره بودن کردستان، یک واقعیت است. آذربایجان بزرگ و کردستان بزرگ و دیگر بزرگهایی از این دست (متأسفانه!) فقط رویاهایی خامند. برای متحقق شدن این رویاها باید مرزهای منطقه بهم ریزد و تعادل موجود از میان برود. اما دیدیم جنگ هشت ساله ایران و عراق را که از جمله با هدف تغییر مرز در شطالعرب بپا شده بود. چه نتیجه ای داد؟ رادیکالیسم کور ملیت گرایانه در منطقه برای همه مصیبت بار خواهد بود. می توان بسی قاطع و رادیکال جنگید. اما فقط جنگید.

مسئله ایران و ایادال ما برای آن

ایران در میان کشورهای همجوار خود از یک حسن بزرگ برخوردار است. در میان خلقهای آن خصومت برقرار نیست.

ایران همواره - بمنزدر مواردی استثنایی - با مدارا با هم زیسته اند و می زنند. این مدارا و ملاحظت تاریخی شکل گرفته است. واقعا با چه حد از دقت و انصاف و مروت می توان خلق فارس را یک خلق ستمگر دانست؟ امتیاز اصلی ای که خلق فارس از آن برخوردار است - این است که زبان رسمی کشور فارسی است - تا چه حد محصول ستمگری خلق فارس است؟ رابطه فارس - کرد در ایران به هیچ رو با رابطه ترک - کرد در عراق قابل مقایسه نیست. در ایران مسئله ستم دولت مرکزی بر خلقها را نمی توان با شوونیسم فارس توضیح داد.

هدف از طرح این مسائل اظهار امتنان در برابر خلق فارس نیست. هدف انگشت گذاشتن بر روی پدیده همزیستی و مدارا در ایران است که معمولا در هنگام طرح مسئله ملیتهای ساکن این کشور به اندازه کافی بر جسته نمی گردد. در ایران پیش از آنکه از "خلقهای محروم" سخن گفته شود، باید از "مناطق محروم" سخن به میان آید. محرومیت خلقها در مفهوم اخص کلمه همدتا خود را به صورت فرهنگی نشان می دهد. جلوی رشد و شاهه زبان و فرهنگ خلقها گرفته می شود، زبان آنها به رسمیت شناخته نمی گردد،

از هر چیز سبک و سنگین کند که چه راهی را برود که جنگ و خونریزی و زورمداری را برنگزیند و بر نیاگزیند. اما مساله اصلی همین شرط و شروط است. تنها از شعار "حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی" نمی توان شعار روز را در رابطه با مسائل خلقها استخراج کرد این شعار را نمی توان به صورت خام خود به کار بست. همانگونه که افراد آزادی یکدیگر را محدود می کنند، ملت ها نیز محدود کننده آزادی یکدیگرند. در گذار از وضع طبیعی به وضع اجتماعی، "آزادی" فرد محدود می شود. اما آزادی، یعنی آزادی من در جامعه، آزادی یعنی آزادی من در حضور دیگران. آزادی مقوله ایست اجتماعی و آزادی ملتها، مقوله ایست در چارچوب همزیستی آنها. تا کتون همزیستی آزادانه ملتها آنگاه میسر می شده است که هر ملتی مرزهای خود را می داشته است. اما اکنون شرط آزادی ملتها برچیدن مرزهاست، و این البته به معنی نادرست بودن بسیاری از مبارزات استقلال طلبانه نیست.

واقعیت است، چاره چیست؟

با مسائل ملی و مسائل موجود در میان ملیتها باید برخورد مشخص داشت. هر شعار ملیت گرایانه جدایی طلبانه ای یک شعار آزادی خواهانه و برای ملت سعادت آور نیست، اگر چه می تواند چنین بنماید و یا به صورت مجرد چنین باشد.

در این جهان مابسی چیزها فیر عادلانه است، اما راه از میان برداشتن آنها و یا تغییر خصلت فیر عادلانه آنها، شاید برخورد مستقیم با خود آنها نباشد. ممکن است نتوان تغییری در وضعیت آنها ایجاد کرد؛ ممکن است به جنگشان رفت اما حرمان بیشتری نصیب خود کرد. مرزها از این جمله اند. در جغرافیا دیگر خیلی چیزها یک واقعیت سلبنند. مثلا اسرائیل.

پدیده در اتحاد جماهیر شوروی پدیده ای کاملا محسوس است و دلایل مختلفی دارد. اما عادلانه است، هم یک واکنش طبیعی است و هم انگیزه و سمت و سوی مبهم، مشکوک و یا آشکارا ارتجاعی دارد. در کشورهای سوسیالیستی اروپا نیز مسائل ملیت ها بعضا جزو مهمترین مسائلند، خاصه در یوگسلاوی در هر دو آلمان شعار وحدت، شعاری جدی است. در شوروی در هر آنجا که مساله ملیت ها مطرح نیست، از اروپاگرایی سخن گفته می شود. مثلا روسها و اکرائینی های پیش از هر هنگام دیگری بر اروپایی بودن خود تاکید می کنند.

در چند ماهه اخیر یکی از رایج ترین عبارات سیاسی در میان دولتمردان و سیاستمداران اروپایی، چه چپ و چه راست، "خانه مشترک اروپا" است. اصطلاح جالبی است، در نزد بسیار کسان همزیمتگاه درست صلح جویانه ای دارد، اما در این و اتقاسی ملیت گرای و منطقه گرای ما نیز حق داریم بپرسیم، این "خانه مشترک" تا چه حد به نفع آسیاست، تا چه حد به نفع "کور و کچلها"ی جهان سوم است. بیچاره آسیا. بیچاره جهان سوم.

حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی؟

کاش با شعار حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی، مسائل ملیت ها حل می شد. کاش هوامل دیگری در میان نبود، هر ملتی استقلال سیاسی و اقتصادی می یافت و صد گل می شکفت. بگذار هر کس که می تواند مستقل شود، به این شرط که خود به راستی آزاد گردد، به آزادی همسایگان خود خدمت کند و پیش

در چند هفته اخیر، رشد گرایشهای ملی گرایانه در آذربایجان شوروی، نقطه عطف تازه ای را از سر گذراند. در کرانه شمالی ارس شعار آذربایجان واحد سرداده شد، عده کثیری وارد مناطق مرزی قرق شده از دوران استالین شدند، بعضا تاسیسات مرزی را بهم زدند و خواهان مرزهای آزاد با هم ملیت های خود در آذربایجان ایران و نیز اتحاد با آنان گردیدند. عده ای از سوی مسکو و اتحادیه ها تحریک شده بودند، عده ای شعارهای اسلامی می دادند و سینه هاشورا می زدند، عده ای رویای کشور واحد ترکها را در سر داشتند و علیه سلطه گری روس اعتراض می کردند. اما در اکثریت مردم این حسرت دیرینه به نقان آمده بود که کی می توانیم آتسوی ارس را ببینیم، تبریز را، ارومیه را، میانه را، جمهوری اسلامی با احتیاط با قضیه برخورد کرد. آخوندها می اندیشیدند که اگر قضیه، بلوای شیعه گری باشد، بر موج سوار شوند تا دست کم از اتحاد شوروی امتیاز بگیرند، اما در همین حال نگران آنند که در این ماجرا مساله ملی همده باشد و می دانیم که اندیشه "ملت" با "امت" جور در نمی آید.

این ماجرا طبیعتا به آرزوی تشکیل آذربایجان بزرگ قوت می بخشد. داستان کردستان بزرگ نیز داستانی قدیم است. در همه احزاب کردی در ایران، عراق، ترکیه و سوریه، آرمان تشکیل کردستان بزرگ به شکل صریح یا ضمنی طرفدار داشته است. از ترکمنستان و ترکمن صحرا هنوز خبر مهمی نمی رسد و نیز از بلوچستان، و نیز از میان اعراب خوزستان. یک دوره رشد ملیت گرای و منطقه گرای

آیا ما وارد دوره تازه ای از رشد ملیت گرای شده ایم؟ رشد این

برای فعال تر و دمکراتیزه تر کردن نشریه اکثریت

بر اساس مصوبه آذرماه هیات اجرائی کمیته مرکزی در مورد نحوه فعالیت ارگان های مرکزی سازمان، نشریه اکثریت بنوبه خود می کوشد، از این شماره، علاوه بر درج مواضع سیاسی سازمان در رابطه با اوضاع کشور و جهان، زمینه لازم را جهت انعکاس سایر افکار، نظریات و موضع گیری های موجود در جامعه پیرامون مسائل سیاسی مختلف به طرق مقتضی فراهم سازد و بازتاب دهنده گونه گونی و تنوع این نظرات در سازمان نیز باشد.

بی تردید، تامین شرایط لازم برای مباحثه و تبادل آراء در نشریات به ویژه نشریات سازمانی و جستجوی اشکال مبتکرانه و مناسب برای طرح افکار و ایده های متنوع موجود در جامعه، گامی است در جهت تجهیز بیشتر نیروهای سیاسی به فرهنگ دموکراسی، دستیابی به زبان مشترک و تدارک اتحاد عمل های گسترده در طیف نیروهای که برای استقرار دموکراسی در کشور می رزمند.

نشریه اکثریت می کوشد مسائل و نقطه نظرهای مطرحه را با به کارگیری اشکال مختلف مباحثه و تبادل نظر، از جمله نظر خواهی ها، مصاحبه ها، درج مقالات، نامه ها و سوالات رسیده به نشریه، قطع نظر از وابستگی یا عدم وابستگی سازمانی نویسنده یا ارسال کننده آن، در حد ممکن منتشر سازد. بدیهی است که موضوع مطالب مندرجه به هر صدهائی مربوط می شود که پرداختن به آن در حیطه وظایف این نشریه است.

این تلاش، بی شک در پرتو مساعدت های خوانندگان صاحب نظر، نویسندگان، هنرمندان، مترجمین و مولفینی که به رشد فرهنگ ملی و اهتلاسی سطح آگاهی مردم یاری می رسانند و همه مبارزاتی که به آزادی و نیکبختی مردم میانندیشند، می تواند ثمر بخش گردد.

در زیر بخشی از قرار مصوب هیات اجرایی سازمان در این زمینه به چاپ رسیده است:

- نشریات مرکزی سازمان موظفند از طریق مصاحبه ها، میزگردها و سایر اشکال مستقیم نظر خواهی، ارزیابی ها تحلیل ها و مواضع جریان ها و شخصیت های سیاسی مختلف پیرامون مسایل سیاسی مهم کشور و جهان را منتشر سازند.
- درج مقالات، سوال ها و نامه های رسیده از سوی افراد و فعالین سیاسی دیگر در نشریات مرکزی سازمان مجاز است. ولی این امر به منزله تأیید آنان از سازمان و وابستگی آنان به سازمان نیست.
- مواضع ارگان های رهبری سازمان در اعلامیه ها، اعلامیه ها و اشکال دیگر با امضای مشخص منتشر می شود.
- نشریات مرکزی سازمان موظفاند کار محققین، نویسندگان، هنرمندان، مترجمین و مولفینی را که به رشد فرهنگ ملی و اهتلاسی سطح آگاهی مردم کمک می کنند، ارج گذاشته و منعکس نمایند.
- مسئولیت درج کلیه مطالب در نشریات مرکزی سازمان بر عهده شورای سردبیری نشریه است.
- مطالبی که بدون امضا در نشریات مرکزی سازمان درج می شود، توسط شورای سردبیری نشریات تهیه و تنظیم می شود.
- سرمقاله و یا مقالات اساسی مندرج در نشریات مرکزی سازمان که بدون امضا درج می شود، منعکس کننده نظر شورای سردبیری نشریه است.

کمک های مالی رسیده

به خانواده زندانیان سیاسی از سوئد	۴۱۰۰ کرون
'بیادر فیتق منصور پور جم' از وستروس نروژ	۱۰۰ کرون
کمک به واحدهای فدایی در داخل از طرف اتحاد - سوئد	۱۰۰ کرون

همسایه بتوانند مناسباتی همچون مناسبات موجود در اروپای غربی بین خود برقرار کنند، منطقه ما منطقه صلح و دوستی و شکوفایی فرهنگی و اقتصادی خواهد شد. مساله چند پاره بودن کردستان باید در چنین چارچوبی حل شود و نیز مساله آذری ها، بلوچ ها، ترکمن ها و هر یک، شرط تحقق این آرزو دموکراتیزه شدن منطقه است. مانع عمده دوستی و همگرایی ملت های ما، رژیم های مستبد منطقه اند. به جای "کردستان واحد"، "آذربایجان واحد" و دیگر واحدهایی از این قبیل، باید ایدال دموکراتیزه شدن منطقه را هدف قرار داد.

امادر مورد قضیه آذربایجان

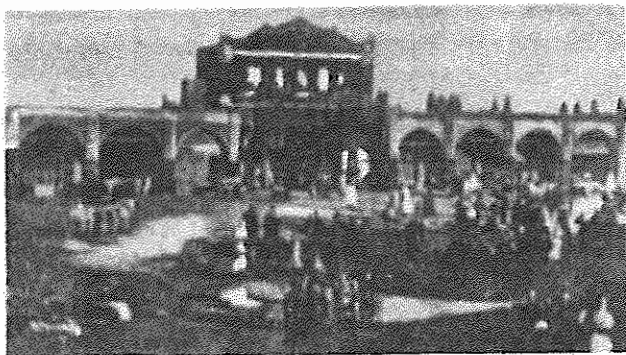
مقامات تهران و باکو توافق کرده اند که مسافرت بین دو آذربایجان "آزاد" شود. هفته ای ۱۵۰ نفر به صورت گروهی! آخوندها، حزب اللهی ها را روانه شمال خواهند کرد و هیچ معلوم نیست از شمال چه کسانی سعادت دیدار جنوب را بیابند. این آزادی نشد. رفت و آمد، بدون کنترل دولتی. باید این خواست دموکراتیک را تبلیغ کرد. علاوه بر آن مرادوات فرهنگی نیز کاملاً باید آزاد باشد، آنهم از جانب نهاد های فرهنگی مستقل. رابطه کنترل شده دولتی بین آذربایجان شوروی و آذربایجان ایران، نقطه نفع رژیم آخوندی خواهد بود. باعث خواهد شد شمالی ها نفهمند در جنوب اسلامی چه می گذرد و از جانب جنوب هم فقط "میسو نهی مذهبی" راهی شمال گردد.

باید بر آزادی مهاجرت بین دو آذربایجان نیز تأکید کرد. خاصه مهاجرین دوره نهضت فرقه دموکرات آذربایجان ایران باید آزاد باشند که از آذربایجان شوروی، بی هیچ محدودیتی از هر دو سو به زاد و بوم خود برگردند. خواست آزادی مسافرت و روابط فرهنگی و اقتصادی تنها نباید به آذربایجان محدود شود. ارمنی ها و ترکمن ها نیز چه از این سو و چه از آن سو باید بتوانند با یکدیگر مرادوات آزاد داشته باشند. مناسبات آزاد با تاجیکها نیز چه برای اهالی تاجیکستان و چه برای ایرانی ها بسیار فرخ بخش و مفید است.

برقراری این مناسبات آزاد به نفع همه خلق های این سو و آن سوی مرز شمالی و به نفع جنبش و فرهنگ ضد استبدادی در ایران است.

نظم ایدال ما برای منطقه

نظم ایدال در ایران یک سیستم فدراتیو است. در منطقه مناسبات ایدال باید چیزی باشد مثل اروپای غربی: رفت و آمد آزاد، مناسبات فرهنگی گسترده و بری از هر گونه محدودیت، روابط اقتصادی گسترده در چارچوب یک بازار مشترک. اگر روزگاری ایران، عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان و جمهوری های شوروی



میدان امین‌السلطان

به دنبال اظهار تمایل این عده، ادارهٔ بلدیة که انجام دهندهٔ امور مربوط به کارخانهٔ برق شخصی امین‌الضرب بود، تربیتی داد تا مأمورین مربوطه هر شب سیمی به محل کسب دکان‌دارهایی که مایل به استفاده از برق هستند کشیده و در پایان شب بر حسب تعداد لامپی که در مغازهٔ آنان روشن بوده مبلغی را دریافت نماید.

در آن زمان قیمت سوخت هر لامپ چهل وات شبی چهار شاهی بود و خیلی شب‌ها هم اتفاق می‌افتاد که هیچکدام از کسبه حاضر به استفاده از برق نمی‌شدند. با این وجود، امین‌الضرب بدون آنکه ناامید شود مدتی بعد دومین کارخانهٔ برق را وارد کشور ساخت و در خیابان ری فعلی، نصب نمود.

عدم استقبال مردم از نیروی برق تا سال ۱۳۱۳ شمسی دوام یافت و طبق آماري که از سوی ادارهٔ برق منطقه‌ای منتشر شده، تا سال مورد اشاره، فقط یازده مشترک از نیروی برق استفاده می‌کردند.^{۱۱}

اولین کارخانهٔ برق دولتی، ظاهراً در همین سال در خیابان ژاله نصب و آمادهٔ بهره‌برداری شد و عملیات سیم‌کشی هوایی و کابل‌کشی خیابان‌های مرکزی شهر آغاز گردید. مأمورین ادارهٔ برق (که آنوقت‌ها ادارهٔ روشنایی نامیده می‌شد و یکی از ادارات تابعهٔ بلدیة بود) برای سیم‌کشی هوایی ناچار بودند به دیوار برخی از خانه‌هایی که در مسیر واقع می‌شد مقره‌هایی بکوبند، ولی ساکنین خانه‌ها و همچنین صاحبان آن‌ها در بیشتر موارد به شدت از اینکار جلوگیری می‌کردند و مشکلاتی برای کارکنان ادارهٔ روشنایی به وجود می‌آوردند. در این زمان، ادارهٔ روشنایی برای تشویق مردم به استفاده از برق و همکاری آنان با مأمورین سیم‌کشی اعلام نمود که حاضر است بدون دریافت هیچ هزینه‌ای به شهروندان انشعاب برق بدهد. ولی مردم که از دور و نزدیک شنیده بودند برق خطرناک است و انسان را می‌گیرد و می‌کشد، زیر بار پیشنهاد جدید نرفته و کماکان به مقاومت خود ادامه دادند. مدتی بعد، اعلام گردید که چنانچه کسانی مایل به استفاده از برق باشند، یک دستگاه کنتور مجانی نیز به آن‌ها داده خواهد شد، اما این پیشنهاد هم طرف توجه تهران‌نشین‌ها قرار نگرفت.

سرانجام در سال ۱۳۱۶، ادارهٔ بلدیة مجبور شد صدور جواز کسب مغازه‌داران یا تمدید پروانهٔ اشتغال آنان را موقوف به دریافت انشعاب برق نماید و تازه از آن زمان بود که عده‌ای از صاحبخانه‌ها که تصور می‌کردند بعد از مجبور ساختن کسبه به دریافت انشعاب برق، نوبت به آن‌ها خواهد رسید و مجبور خواهند بود برق را به خانهٔ خویش راه دهند، شکایت‌نامه‌هایی بر علیه ادارهٔ روشنایی به عدلیهٔ تقدیم داشتند و نسبت به نصب مقره‌های برق بر دیوار خانه‌هایشان معترض شدند و ادعا کردند که این کار باعث برق‌گرفتگی آنان یا آتش گرفتن منازلشان خواهد شد!

تهران، پایتخت دویست ساله

بعنوان "دارالخلافه"، بخشی از کتاب "تهران قدیم"، نوشتهٔ م. حسن بیگی را برای چاپ برگزیده‌ایم. در این بخش، نویسنده ورود اولین کارخانهٔ برق به تهران را توصیف کرده است:

به مناسبت سالگرد تعیین تهران بعنوان پایتخت، از تاریخ ۱۳ آذر نمایشگاه عکسی در تهران برگزار شد که مورد استقبال وسیع مردم واقع گردید. به مناسبت دویست و یکمین سالگرد تعیین تهران

ورود اولین کارخانه برق

در دورهٔ مظفرالدین شاه قاجار، حاج حسین امین‌الضرب که از همراهان شاه در سفر وی به روسیه بود یک دستگاه موتور برق خریداری و با جلب موافقت ادارهٔ بلدیة وقت در اول خیابان چراغ گاز نصب کرد و به این ترتیب خود به خود نام خیابان گاز به چراغ برق تبدیل شد که هنوز هم عده‌ای خیابان امیرکبیر را با همین نام مورد اشاره قرار می‌دهند.

کنجکاو و بی‌تفاوتی مردم

کارخانهٔ برقی که امین‌الضرب به تهران آورد، در واقع جزو نخستین کارخانه‌های معتبر و اساسی ایران بود که به وسیلهٔ نفت کار می‌کرد و پروانه‌ای به قطر پنج متر داشت و با حرکت همین پروانه بود که برق تولید می‌شد.

مردم تهران که این پدیدهٔ عجیب و غریب موجب حیرتشان بود و اکثراً باور نمی‌کردند که گردش یک پروانهٔ فلزی بتواند تولید روشنی نماید، هنگام غروب که موقع به کار افتادن موتور برق بود در اطراف محل استقرار آن جمع می‌شدند و به اظهار نظرهای مختلف می‌پرداختند. با این وجود هیچکدام از آن‌ها رغبت و تمایلی به استفاده از برق جهت روشنایی منزل و محل کارشان در شب‌ها از خود نشان نمی‌دادند و تنها فایدهٔ کارخانهٔ برق این بود که علاوه بر روشن ساختن عمارات شاهی، چند خیابان اطراف ارگ را نیز از سر غروب تا آخر شب روشن می‌کرد.^{۱۲}

اندک‌اندک، عده‌ای از کسبهٔ خیابان‌های ناصریه، چراغ برق و باب همایون راغب به استفاده از برق شدند، اما هیچکدام حاضر به خرید انشعاب برق نبودند. بلکه می‌خواستند در برابر پرداخت مبلغی مشخص هر وقت که دلشان بخواهد از برق استفاده کنند.



شهردار الخلافه تهران که تاریخ شهر جمادی الاولی است ۱۳۲۵
به سعی اعضا دولتته عتیق‌پوری و احتیاج موسس و گرشوی
سربک و معلم لوپخانه صورت طبع یافته است

خبرها و نظرها

اتحاد گار

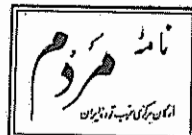
"چشم دل باز کن که جان بینی"

نشریه اتحاد کارگران مرکزی سازمان فدایی در شماره ۵ (آذرماه) خود مقاله‌ای را با عنوان بالا در نقد روش‌های راه‌کارگر بچاپ رسانده است. در این مقاله انشعاب در سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و برگزاری کنگره وحدت میان سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان آزادی‌کار ایران، بعنوان دو واقعه در خور توجه و تعمق ارزیابی شده و نحوه برخورد راه‌کارگر به این دو موضوع را ناشی از دیدگاه این سازمان نسبت به امر وحدت و دموکراسی درون سازمانی دانسته است. در این زمینه آمده است:

"راه‌کارگر در مقاله‌ای تحت عنوان "سانترالیسم درمانده راهگشای سوسیال دموکراسی"، یکبار دیگر دیدگاهها و روش‌های پیشنهادی خود در مورد وحدت و دموکراسی درون سازمان را به نمایش گذاشته است... راه‌کارگر در این مقاله سازمان فدائی را به "مناصر صادق و انقلابی" و مناصر منحط و فریبکار که دومی‌ها در کنگره دسته‌ی اول را فریب داده و آنان را به وسیله‌ای برای راهگشایی نظرات خود تبدیل کرده‌اند تقسیم می‌کند و پس از این تقسیم‌بندی از مناصر صادق و انقلابی می‌خواهد: "مناصر صادق و انقلابی اگر خواهان مبارزه جدی علیه انحطاط سوسیال دموکراتیک هستند، باید قبل از هر چیز و پیش از هر چیز با تفکر سانتریستی تعیین تکلیف کنند، با دشمن تنها زمانی می‌توان جنگید که اجازه ندهیم آنها گل‌آلود گردند، زمان، زمان تعیین تکلیف است." اما این تعیین تکلیف قاطع و انقلابی که راه‌کارگر زمانه

را زمانه توسل جستن به آن می‌داند چیست؟ "دشمن" خواندن هم‌رزم سازمانی که مخالف فکر ماست؟ آیا این است "قاطعیت انقلابی"؟ تعیین تکلیف کردن با تفکر سانتریستی برای جنگیدن با بقیه که از نظر راه‌کارگر "دشمن" محسوب می‌شوند؟

... تنها راهی که راه‌کارگر می‌شناسد و به جنبش ما توصیه می‌کند عدم تحمل افکار و عقاید متفاوت در یک جریان واحد، فراموش کردن اهداف مشترک و دشمن مشترک بخاطر پیداشدن اختلافات عقیدتی و یا سیاسی و تعیین تکلیف کردن با یکدیگر تا حد شقه‌شقه شدن و تقسیم شدن به محافل و حتی به مناصر منفرد، جدا از هم و حتی "دشمن" هم در حال "جنگیدن" با هم، اما در عوض "انقلابی" و "سازش‌ناپذیر" باقی ماندن! ... کافی است به آنچه راه‌کارگر در برخورد با اختلافات فکری درون خود می‌کند نظری بیانکنیم تا میزان التزام راه‌کارگر را به دموکراسی و ماهیت روش‌های راه‌کارگر را بهتر بشناسیم: ... قطعه‌نامه راه‌کارگر شرط بازگشت رفقای انشعابی را "تائید صریح خطمشی کمونیستی سازمان" و التزام به تنزل و تحدید اندیشه‌ی خود در چارچوبه از پیش تعیین شده توسط اکثریت کمیته مرکزی راه‌کارگر می‌داند... دقت کنید که می‌گوید "تائید صریح و نه التزام به تبعیت اقلیت از اکثریت ... رفیق باباهلی در صورتی می‌تواند به سازمان برگردد که ... نظریه‌ی "دولت منحل‌کاری و ضرورت انقلاب سیاسی در کشورهای سوسیالیستی را ... پس بگیرد"! آیا همین است نظریه "آزادی بی‌قید و شرطی" که راه‌کارگر مدعی دفاع از آن است. اگر چنین است این فقط آزادی بی‌قید و شرط برای رهبری راه‌کارگر است و نه برای دیگران و نه حتی برای اعضای تشکیلات راه‌کارگر."



"مارکسیست ارتدکس" یادیکتاتور شوونیست

در نامه مردم شماره ۲۹۱ مقاله‌ای تحت عنوان: "مارکسیست ارتدکس" یا دیکتاتور شوونیست شده

است که در آن به رویدادهای رومانی پرداخته شده است. در آغاز این مقاله آمده است:

"تیم مردم و نیروهای مسلح رومانی، در اندک زمانی طومار دیکتاتوری چائوشسکو را در هم پیچید. در پی چند روز درگیری خونین، مقاومت نیروهای وابسته به رژیم حاکم در هم شکسته شد و قیام‌کنندگان کنترل تمام کشور را در اختیار گرفتند."

در ادامه مقاله ضمن ابراز خشنودی نسبت به تنگ‌تر شدن حلقه محاصره بر گرد رژیم "ولایت فقیه" بخاطر کاسته شدن از تعداد رژیم‌های سرکوبگر و دیکتاتورمنش، رسانه‌های گروهی غرب را بخاطر اینکه چائوشسکو را بجای یک دیکتاتور شوونیست "آخرین مارکسیست ارتدکس" در اروپا نامیده‌اند، مورد انتقاد قرار داده است.

نامه مردم سپس نوشته است: "بر کسی پوشیده نیست که چائوشسکو و طرفداران وی، از سال‌ها پیش، با گرویدن به سوی شوونیسم لجام گسیخته، راه و روش خاص خود را در پیش گرفتند. آزادی‌گشی، ستم‌گری بر اقلیت‌های قومی، بویژه مجارهای ساکن رومانی، ادعاهای ارضی نسبت به همسایگان، و ادار کردن شهروندان رومانی به طلاق دادن همسران خارجی خویش، تبلیغات بر ضد کشورهای سوسیالیستی و ... اجزای این سیاست شوونیستی و مصلحت‌طلبانه را تشکیل می‌داد."

اما نامه مردم هیچگونه اشاره‌ای نکرده است که این همه ارتداد و انحراف و استبداد چرا تا کنون منجمد در صفحات نامه مردم بازتاب نداشته است و اکنون تنها پس از سرنگونی چائوشسکو طرح می‌گردد. نامه مردم سپس به درستی، تبلیغات رسانه‌های غرب در گذشته در مورد چائوشسکو را افشا کرده و اهداف غرب در حمایت از چائوشسکو را در چارچوب سیاست هم‌می‌امپریالیسم مورد حمله قرار داده‌است اما بعنوان شاهد مثال سیاست دریافت وام و اعتبار از غرب توسط چائوشسکو را ذکر کرده و آن را مورد انتقاد قرار داده است. این سیاست که هم اکنون وسیعاً توسط اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی در پیش گرفته شده است در شرایط درهم تنیدگی همیق اقتصاد جهانی محتاج بررسی وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تری است.

کوردستان

از نشریه مردم حزب دموکرات کوردستان ایران

"یک دستور العمل اسلامی!"

نشریه "کوردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دموکرات کوردستان ایران در شماره ۱۵۵ خود سند افشاگرانه‌ای را به چاپ رسانده است. این سند در تاریخ ۶۸/۵/۲۵ در جریان حمله پیشمرگان نیروی "تاکری" حزب دموکرات به یک پایگاه رژیم در منطقه "نازلوچای" ارومیه، مشرف به دهکده "هنگران" به دست رزمندگان حزب دموکرات افتاده است. نشریه "کوردستان" نوشته است:

"از میان مجموعه‌های اسناد و مدارک نظامی که بدست پیشمرگان افتاده جزوه‌ای "خیلی محرمانه" تحت عنوان "شرح وظایف‌های (وظیفه‌های!) فرمانده مقرر استقراری (آنچه که فرمانده باید بداند)" دیده می‌شود که پیشمرگان آن را به دفتر سیاسی حزب فرستاده‌اند. از عنوان روی جلد این جزوه پیدا است که آنهائیکه این رهنمود را برای فرماندهان رژیم نوشته‌اند چه آدمهای با دانشی! هستند و اکنون چه نوع کسانی در کشور بلازده ما ایران بر جان و مال مردم حکومت می‌کنند ... سردمداران و مسئولین رژیم مزدوران خویش را اینگونه به جان خانواده‌های پیشمرگان می‌اندازند.

بسمه تعالی طرح کنترل خانواده‌اش را. همانطوریکه به کلیه فرماندهان دسته ابلاغ شده و در آموزش بطور مشروح - توضیحات لازم داده شده است طرح کنترل خانواده اش را در گرفتن ارزش و آقائی از خانواده آنها که در حقیقت نباید داشته باشند طرح زیر دقیقاً اجرا شود با آگاهی بر اینکه حامیان اصلی اش را در درجه اول فرزندان - پدر - مادر - خواهران - برادران وی می‌باشند و آنها نیز به پشتوانه ضد انقلاب به مردم زور می‌گویند و نظرات خودشان را تحمیل می‌نمایند فرمانده مقرر باید این ارزش و آقائی را با اجرا دقیق موارد زیر ایشان بگیرد.

۱- در دفتر مخصوص هر روز صبح و عصر آنها را در جلو مقر حضور فیاب نماید.
۲- در صورتی که هر کدام از آنها خواسته باشند روستا را به مدت ۲۴ بقیه در صفحه ۱۰

بیانیه کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران

بر اساس اخبار موثق مورد تأیید کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و هغو بین الملل جان ۸۳ زن زندانی سیاسی در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بر اساس اخبار جدید از داخل زندانهای ایران که مورد تأیید هغو بین الملل می باشد، ۱۸ تن از زندانیان سیاسی زن محکوم به اعدام گشته و به سلولهای انفرادی منتقل شده اند. مسئولین حکومتی ج. ا. در صدد نتوانان اصلی روزهای آتی اعدام نمایند.

کمیته هندی دفاع از حقوق بشر، نقض و حشمانه حقوق بشر در ایران را شدیداً محکوم نموده و اعتراض شدید خویش را نسبت به پیگرد، شکنجه و اعدام انقلابیون ایران اعلام می دارد.

کمیته هندی دفاع از حقوق بشر از مسئولین حکومتی ج. ا. می خواهد تا به شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی بویژه زندانیان سیاسی زن که جانشان در معرض خطر جدی قرار گرفته، پایان بخشند و تمامی زندانیان سیاسی را بلا درنگ رها سازند. کمیته هندی دفاع از حقوق بشر در ایران آمادگی خویش را برای همکاری با هیئت نمایندگی سازمان ملل که ژانویه ۱۹۹۰ جهت بازدید از وضع زندانیان، گفتگو با سازمانهای سیاسی اپوزیسیون و خانواده های زندانیان سیاسی اعدام شده هازم ایران است، اعلام می دارد.

بار دیگر کمیته، تقاضای خویش را مبنی بر تدارک امکانات جهت گسیل هیئت نمایندگی کمیته به ایران جهت بازدید از زندانیان را به مقامات ایرانی ابراز می دارد.

مسئول کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران کرنیسناپار دسامبر ۱۹۸۹.

بیانیه مطبوعاتی هیأت اجرایی فدراسیون ملی زنان هند

فدراسیون ملی زنان هند نگرانی همیق خویش را نسبت به تداوم سرکوب مخالفین سیاسی از سوی دولت ایران ابراز می دارد. اخیراً اخباری بدست ما رسیده مبنی بر اینکه ۱۸ تن از زنان زندانی سیاسی را از دیگران جدا کرده اند. تمامی گزارش ها حاکی از آن است که دولت ج. ا. در صدد اعدام این زنان است همچنانکه هزاران زندانی سیاسی دیگر اغیرابه شهادت رسیده اند.

بر اساس گزارش های موثق طی ماه های اخیر شکنجه های جسمی و روحی بر روی زنان زندانی سیای جهت اقرار گیری در مورد جرائمی که هرگز مرتکب نشده اند، شدت یافته است.

اقدامات ج. ا. نقض خشن تمامی موازین دموکراسی است. فدراسیون ملی زنان هند اعمال خشن و ضد انسانی ج. ا. را محکوم می کند. از دبیرکل سازمان مال متحد، خاویر پرز دو کوئیار خواستاریم تا با اقدام عاجل خویش جان این ۱۸ زندانی سیاسی زن را نجات دهد. ما از تمامی زنان هند دعوت می کنیم تا بانگ اعتراض خویش را علیه اقدامات ضد انسانی ج. ا. بلند کنند. می بایستی اقدامات بیدرنگ خویش را در راستای نجات جان زنان زندانی سیاسی به کار بندیم. ویلفاروقی دبیرکل دسامبر ۸۹.

«یک دستور العمل اسلامی!»

بتهیه از صفحه ۹

- ۱- ساحت یا بیشتر ترک نمایند با اجازه پایگاه و تعیین محلی که در آنجا کار دارند خارج شوند.
- ۲- در صورتی که حضور شور باشند با هماهنگی سپاه اخراج شوند و به مردم هلت هدم لیاقت ایشان، به خاطر داشتن فرزند یا برادر در داخل اشرار گفته شود.
- ۳- در صورت داشتن مینی بوس یا تراکتور و یا وانت و هر وسیله نقلیه دیگر با هماهنگی پاسگاه توقیف شود.
- ۴- هیچکدام از روستائیان حق ندارند زمینهای آنها را شخم بزنند.
- ۵- حق استفاده از بیلاقات را ندارند چون احشام خود را به خاطر ارتباط با ضد انقلاب و تغذیه تدارکاتی و اطلاعاتی آنها می برند.
- ۶- از استفاده وسایل نقلیه همومی و شرکت در مجالس همومی محروم خواهند بود.
- ۷- در صورت داشتن موتور آب و یا سایر وسایل حق دریافت سوخت را ندارند.
- ۸- قبل از اجرای این دستور العمل اهالی روستا را جمع و مردم را توجیه نماید که هلت آن همکاری با اشرار می باشد.

مواضع چندش آور کشورهای غربی و واتیکان در قبال رویدادهای پاناما

جمعیتی محدود برای سر باران ت دندان مسلح آمریکایی دور می زد. در این میان نحوه انعکاش خبر مربوط به نحوه تحویل نوریه گاه به نیروهای آمریکایی و اقدام ننگ آمیز واتیکان قابل توجه ویژه است.

خبرگزاری های غربی همه جا با بوق و کرنا اعلام کردند که نوریه گاه داوطلبانه خود را تسلیم ارتش آمریکا کرده است. پس از اینکه این خبر کاملاً در ذهن ها حک شد به سادگی و در حاشیه خبرها فاش شد که وی برای تسلیم به تجاوزگران آمریکایی تحت فشار قرار داده شده است. مقامات واتیکان به نوریه گاه اولتیماتوم دادند که اگر او «داوطلبانه» تسلیم نیروهای آمریکایی نشود وی را به مخالفان پانامایی اش تحویل خواهند داد.

بعدها آن نیز جزئیات بیشتری از مذاکرات و بده بستان های پنهانی ژنرال های آمریکایی و مقامات کلیسا فاش شد. جایزه یک میلیون دلاری برای سر نوریه گاه گویانصیب واتیکان شده است.

در جریان تجاوز نظامی آمریکا به کشور پاناما و به خاک و خون کشانده شدن چند هزار تن از مردم فیر نظامی این کشور توسط بمب ها و گلوله های اهدایی جرج بوش، کشورهای غربی و دربار واتیکان نمونه هایی چندش آور از اخلاق سیاسی و احترام به حقوق بشر و حقوق ملت ها را به نمایش گذاشتند. کانادا و انگلستان رسماً از این اقدام تجاوزگرانه استقبال کردند. دیگر کشورهای اروپایی (به جز اسپانیا) و به ویژه آلمان فدرال به شکل کاملاً بارزی اخبار مربوط به رویدادهای پاناما را تحت الشعاع تحولات در کشورهای اروپای شرقی قرار دادند و تمام تلاش خود را به کار بردند تا اجساد متلاشی شده پانامایی ها بر اثر بمباران هواپیماهای آمریکایی و محلات با خاک یکسان شده پاناماسیتی هیچگونه بازتابی در تلویزیون های این کشورها نیابد. اگر اخبار خبری و تصویری در این زمینه انتشار یافت بیشتر حول و حوش شرکت نوریه گاه در قاچاق مواد مخدر و هورا کشیدن

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان احیاشد

یک جامعه بورژوازی خواهد بود. بنا بر آمار انتشار یافته این حزب که تا کنون بیش از ۶۵۰۰۰ نفر در آن نام نویسی کرده اند بیش از ۱۰۰ هزار عضو دارد. حزب سابق شده است.

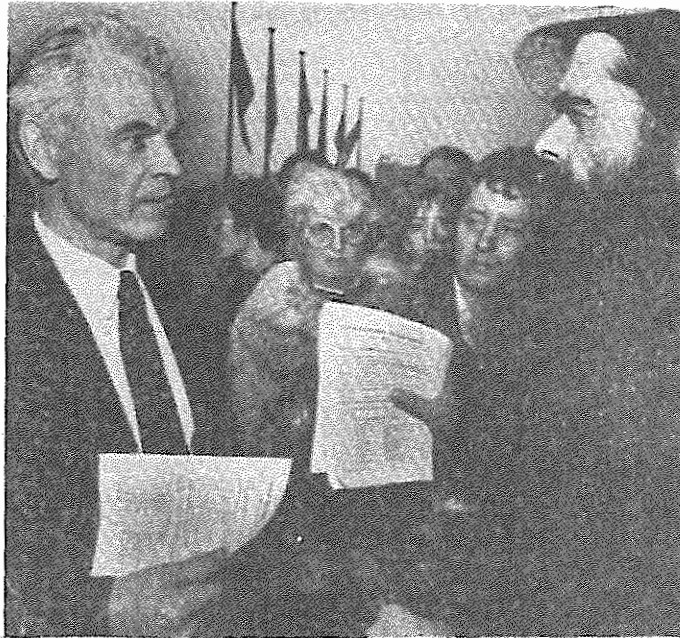
در پایان کنگره خانم گیولاتورمر به ریاست ح. س. ک. م. انتخاب شد. کنگره مزبور اساسنامه و برنامه نویسی به تصویب رساند. در این برنامه، «ح. س. ک. م.» بعنوان یک حزب مارکسیستی معین شده است و پلورالیسم سیاسی و سوسیالیسم دموکراتیک از ارکان برنامه ای حزب اعلام شده اند.

گیولاتورمر که یکی از همکاران نزدیک کارولی کروستس، دبیرکل سابق این حزب، و مشاور او در امور بین المللی بوده است، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که: وحدت حزب در حل مشکلات عظیم پیشروی، مقدمترین وظیفه ما را تشکیل خواهد داد.

در نیمه دوم دسامبر ۸۹، کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تصمیم گرفت این حزب را که در اکتبر سال گذشته توسط جناح اصلاح طلبان رادیکال منحل اعلام شده بود، مجدداً احیا کند. نمایندگان کنگره اخیر اظهار کردند که اکثریت اعضای حزب، مصوبات کنگره اکتبر سال گذشته را فیرقانونی و فاقد اعتبار دانسته اند. به گفته این نمایندگان، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان (ح. س. ک. م.) در ماه اکتبر نوسازی نشده بلکه دچار انشعاب شده است. «ح. س. ک. م.» به حیات خود ادامه داده و با حزب سوسیالیست مجارستان (ح. س. م.) به مبارزه ایدئولوژیک خواهد پرداخت.

کارولی کروستس به عنوان سخنان اصلی کنگره تأکید کرد که محور اصلی فعالیت حزب احیا مجدد و تحکیم اعتماد اعضای حزب، حفظ اهداف مارکسیست - لنینیستی حزب و جلوگیری از تبدیل مجارستان سوسیالیستی به

بحران کابینه در جمهوری دموکراتیک آلمان کاستی گرفت



هانس مودرو نخست وزیر این کشور در روز جمعه هفته گذشته اعلام کرد که تصمیم گیری در مورد تشکیل نیروی امنیتی "پاسدار قانون اساسی" به پس از انتخابات ۶ مه موکول خواهد شد. موثفین حکومتی "حزب سوسیالیست متحده آلمان - حزب سوسیالیسم دموکراتیک" اعلام کرده بودند در صورتی که مودرو از هم اکنون به تشکیل یک نیروی امنیتی به پردازد از کابینه خارج خواهد شد.

- کارزار مبارزه انتخاباتی در جمهوری دموکراتیک آلمان بسیار داغ است. احزاب مخالف حزب سوسیالیست متحده، این حزب را متهم می کنند که امکانات همده تبلیغی را در اختیار دارد و به مخالفین میدان نمی دهد. حزب سوسیالیست متحده روی برابر حقوقی در انتخابات تاکید کرده و به اپوزیسیون به خاطر کمک گرفتن از آلمان فدرال انتقاد می کند.

احزاب آلمان فدرال هملا دخالت فعالی در مبارزه انتخاباتی در جمهوری دموکراتیک آلمان

دارند. رادیو و تلویزیون و مطبوعات این کشور به صورت تریبون تبلیغاتی احزاب مخالف حزب سوسیالیست متحده در آمده است. - در حزب "سوسیالیست متحده آلمان - حزب سوسیالیسم

پایان حالت فوق العاده

لی پنگ نخست وزیر چین در یک سخنرانی رادیو تلویزیونی در روز ۱۵ ژانویه پایان حالت فوق العاده در چین را که در ۲۰ ماه مه سال گذشته در یک واکنش خشن نسبت به تظاهرات دانشجویی دامن گستر برقرار شده بود، اعلام کرد. لی پنگ در این سخنرانی با اشاره به تحولات اروپای شرقی تاکید کرد "ما بدون سرگشتگی مسیر سوسیالیسم را پی خواهیم گرفت."

خبرهای کوتاه

- آمریکا دو کشتی جنگی خود را به بهانه مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر در برابر سواحل کلمبیا مستقر کرده است. در هفته گذشته دولت کلمبیا شدیداً نسبت به این امر اعتراض کرده است. نیروهای هوایی و دریایی کلمبیا با آمریکا عملیات مشترک نخواهند داشت.

- در هفته گذشته یک هیات از چکسلواکی به اسرائیل سفر کرد تا رهگشای از سرگیری مناسبات دیپلماتیک بین چکسلواکی و اسرائیل، که از سال ۱۹۶۷ تاکنون قطع بوده است، باشد.

- رئیس جمهور جدید چکسلواکی واسلاو هاول در اوایل فوریه برای یک دیدار کاری به مسکو سفر خواهد کرد.

- در حزب کمونیست فرانسه انتقاد علیه ژرژ مارش بالا گرفته است. به رهبری حزب و به ویژه ژرژ مارش انتقاد می شود که چرا در گذشته نسبت به رژیم رومانی موضع انتقادی فعالی نداشته اند. مارش که بارها به دعوت چائوشسکو به رومانی سفر کرده و تعطیلات خود را در استراحتگاه های آنجا گذرانده است، اعلام کرده که ما متوجه بودیم که در رومانی اوضاع خوب نیست "اما ما از تمام حقیقتی که اکنون نسبت به آن واقفیم اطلاع نداشتیم".

- تئودور ژیوکف رهبر سابق حزب و دولت بلغارستان در برابر میز محاکمه قرار خواهد گرفت. یک کمیسیون پارلمان بلغارستان او را متهم به سوءاستفاده از قدرت و به مصرف رساندن بودجه دولتی به نفع شخصی و برای انتشار کتابهایش در خارج کرده است.

- دولت آلبانی انجام تظاهرات ضد حکومتی در سه شهر این کشور را تکذیب کرد.

طرح انحلال حزب متحده کارگران لهستان و تشکیل یک حزب چپ

سوسیال دموکرات لهستان نام گیرد. کمیته مرکزی طرح برنامه و اسانسنامه حزب جدید را تهیه و تصویب کرده است. در برنامه تازه از "برداشت ساده نگرانان از کلکتیویسم و بی توجهی به آزادی های فردی و سیاسی" فاصله گرفته شده است. بنا بر طرح اسانسنامه، حزب جدید فاقد کمیته مرکزی و دفتر سیاسی خواهد بود.

قرار گیرد. را کوفسکی دبیرکل حزب متحده کارگران لهستان ضمن اعلام این مصوبات کمیته مرکزی، تاکید کرد که حزب تازه ای که تشکیل خواهد شد، باید آنگونه باشد که بتواند نیروهای چپ کشور را در خود مجتمع سازد. براساس نظر خواهی ها، کمیته تاکنون صورت گرفته گرایش همده آن است که حزب جدید حزب سوسیالیست لهستان و یا در درجه دوم حزب

کمیته مرکزی حزب متحده کارگران لهستان (حزب کمونیست کشور) تصویب کرده است که در کنگره این حزب که در روز ۲۷ ژانویه آغاز به کار خواهد کرد، پیشنهاد انحلال حزب در شکل کنونی آن را مطرح سازد. مهمای پیشنهاد انحلال حزب کنونی، طرح تشکیل یک حزب تازه نیز به بحث کنگره گذاشته خواهد شد. پیش بینی می شود که هر دو پیشنهاد مورد تصویب

طرح تازه برای استقرار صلح در کامپوچیا

در هفته گذشته همچنین اعلام شد که سر بازان کامپوچیایی موفق شدند، حمله خمرهای سرخ به باتامبانگ دومین شهر بزرگ کشور را پس زنند و آنها را به عقب برانند. خمرهای سرخ هواداران رژیم سرنگون شده پل پتاند. آنها در دوران حکومت خود جنایاتی مثال زدنی مرتکب شده اند.

کامپوچیا یک حکومت موقت از سوی سازمان ملل تشکیل شود و از جانب یک نیروی هفت هزار نفره پاسدار صلح مورد حمایت قرار گیرد. این حکومت، به امر خروج کامل نیروهای ویتنامی، برقراری و حفظ آتشبس و انجام انتخابات نظارت خواهد کرد.

نمایندگان پنج عضو دائمی شورای امنیت - شوروی - چین، آمریکا، فرانسه و انگلستان - در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژانویه در پاریس تشکیل جلسه خواهند داد تا در مورد طرحی که استرالیا برای استقرار صلح در کامپوچیا ارائه داده است، تبادل نظر کنند این طرح پیشنهاد می کند که در

گارباجف:

استقلال جمهوری های شوروی در چارچوب يك فدراسیون



میخائیل گارباجف در یک بحث خیابانی در ویلنا مرکز لیتوانی

در هفته گذشته میخائیل گارباجف رئیس دولت و حزب کمونیست در اتحاد شوروی به لیتوانی سفر کرد تا حزب کمونیست این جمهوری را از جدایی از حزب کمونیست اتحاد شوروی باز دارد و به مردم لیتوانی لزوم همبسته بودن با شوروی را توضیح دهد. او در این سفر با انتشار مختلف مردم و رهبری حزب کمونیست لیتوانی دیدار و گفتگو کرد.

گارباجف در ویلنا مرکز لیتوانی تاکید کرد که جدایی طلبی به ضرر همه است، در محدوده یک جمهوری باقی نخواهد ماند و روند نسازی را تخریب خواهد کرد. او

اهلام کرد که خود طرفدار "استقلال جمهوری های شوروی است، اما در چارچوب یک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جدید."

او خواست استقلال را طبیعی دانست اما تاکید کرد که باید در چارچوب یک فدراسیون تحقق پذیرد. او اعلام کرد که اگر پارلمان لیتوانی جدایی از اتحاد شوروی را به تصویب برساند یک وضعیت بحرانی پدید خواهد آمد. گارباجف گفت: "مخالف معینی، احساسات طبیعی ملی افراد را مورد سوءاستفاده قرار داده و می کوشند یک الگوی غیر واقعی را به مردم تحمیل کنند."

تجهیز عراق به تکنولوژی هسته ای
توسط برخی انحصارات آلمان فدرال

مجله اشپیگل چاپ آلمان غربی در شماره ۱۸/۵۱ دسامبر خود طی مقاله ای از معاملات پنهانی شرکت H+H metalform در اشتاین فورت پرده برداشته است. این شرکت ظاهراً ظرف دو سال گذشته، دستگاههایی به عراق صادر کرده است که توسط آنها می توان به گازها، نیروی فوق العاده گریز از مرکز داد و نوع ۹۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ تقلید شده تولید کرد که عنصر اصلی بوم اتمی به شمار می رود.

صاحبان شرکت فوق الذکر تا کنون همه صادرات غیر قانونی خود به عراق را مخفیانه انجام داده اند. پاکستان نیز توسط این شرکت از

طریق معاملات پنهانی به سلاحهای اتمی مجهز شده است. بنا به گزارش مجله اشپیگل، کارشناسان اتمی آلمان فدرال که به مدارک سری دسترسی دارند، در این زمینه اطلاعات پرارزشی در اختیار عراق قرار داده اند.

عراقیها از طریق شرکت "آویبارس" برزیل توسط یک فرد آلمانی با شرکت های آلمانی و بویژه با شرکت H+H تماس برقرار کرده و وارد معاملات پنهانی شده اند. عراق در سالهای آخر جنگ با ایران از طریق این شرکت به تسلیحات مختلف از جمله بدنه موشک مجهز شده است. رژیم عراق متجاوز از بقیه در صحنه

ادامه ناآرامی ها در آذربایجان شوروی

حزب و تعدادی دیگر از کارکنان حزبی را گروگان گرفته اند. آرامش روزهای پیشتر، پس از چند روز تشنج که گزارش آن در شماره پیشین "اکثریت" آمده است، تا اندازه ای در اثر پیشرفت مذاکرات بین دو نماینده ویژه حزب کمونیست شوروی با نمایندگان "جبهه خلق جمهوری خود مختار نخجوان" حاصل شده بود. در جریان این مذاکرات نمایندگان حزب کمونیست شوروی تأیید کردند که مسافرت مردم دو آذربایجان ایران و شوروی به نزد یکدیگر، باید تسهیل شود.

از سوی دیگر هلیرقم اخطار شوروی به جمهوری اسلامی نسبت به مداخله جمهوری اسلامی در امور داخلی شوروی، در روزهای اخیر نیز جمهوری اسلامی همچنین به تبلیغات خود در تشویق همه جانبه حرکات فوق الذکر ادامه داد.

پس از چند روز آرامش در آذربایجان شوروی و در جمهوری خودمختار نخجوان، در خلال چندروز اخیر ناآرامی ها مجدداً شدت گرفته اند. بنابه خبر روز جمعه ۱۲ ژانویه روزنامه ایزوستیا، در روزهای اخیر در شهر لنکران واقع در ساحل دریال خزر در نزدیکی ایران، شورشهایی در گرفته اند. در این جریانات "جبهه خلق آذربایجان" قدرت را به دست گرفته و رهبری محلی حزب را از ارگان های قدرت بیرون کرده است. بنابه همین گزارش، در باکو نیز مرتباً تظاهراتی برپا شده است. خواست تظاهرکنندگان برکناری مقامات محلی است زیرا "این مقامات نتوانستند مسئله تره باغ را حل کنند."

همچنین به گزارش روزنامه کفر اشتات آنتسایگر در جریان تظاهراتی در ناحیه شائومیان هدهای از اهالی این ناحیه رئیس

برای اشتراك نثریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> يك ساله
۲۴	۲۹		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 289 MONDAY, 15. Jan 90</p>	<p>آدرس: Address: Ruzbeh POSTFACH 18 10 5100 AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>	<p>با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>